

الذُّرْسُ الْخَامِسُ بَرُگَرِد

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾
 منادای مضاف: رب + ی
 مفعول ۱: اجْعَلْنِي
 مفعول ۲: الصَّلَاةِ
 منادای مضاف: رَبِّ
 مفعول ۱: ذُرِّيَّتِي
 مفعول ۲: رَبَّنَا
 دعاء: مفعول
 اصل آن: دعاء + ی
 ابراهیم: ۴۰

پروردگارا، مرا و فرزندانم را برپادارنده نماز قرار بده؛ پروردگارا دعایم را بپذیر.

یا اِلٰهِي

یا اِلٰهِي ، يا اِلٰهِي
 الہ: منادای مضاف
 الہ: منادای مضاف
 یا مجیب
 و کثیر
 الدَّعَوَاتِ
 الْبَرَكَاتِ
 مفعول ۱
 مفعول ۲

ای خدای من، ای خدای من، ای برآورنده دعاها؛
 امروز را خوش اقبال و پر برکت قرار بده.

وَ اَمَلًا الصَّدْرَ اَنْشِرَاحًا
 وَ اَعْنِي فِي دُرُوسِي
 و سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.
 و مرا در درس‌هایم و انجام تکالیف یاری کن.
 مفعول
 مفعول
 مفعول

وَ اَنْرُ عَقْلِي وَ قَلْبِي
 وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي
 و خردم و دلم را با دانش‌های سودمند روشن کن.
 و موفقیت را بخت و بهره من در زندگی قرار بده.
 مفعول
 مفعول
 مفعول

وَ اَمَلًا الدُّنْيَا سَلَامًا
 وَ اِحْمِنِي وَ اِحْمِ بِلَادِي
 و دنیا را از صلحی فراگیر، در همه جهت‌ها پر کن.
 و من و کشورم را از پیشامدهای بد نگهداری کن.
 مفعول
 مفعول
 مفعول

بَرُگَرِد بَه تَمْرِينِ اَوَّل

۴۲ اجْعَلْنِي، اَعْنِي، اِحْمِنِي: (فعل + نون وقایه + ی)

الْمَعْجَمُ برگرد

الْمَجِيبُ : برآورنده	أُنِرُ : روشن کن (أُنَارَ ، يُنِيرُ) الْإِشْرَاحُ : شادمانی، فراخی الْبَسْمَاتُ : لبخندها «مفرد: الْبَسْمَةُ» الْحَظُّ : بخت	أَحْمَنِي : از من نگهداری کن (حمی) يَحْمِي / أَحْمُ + نون وقایه + ي أَعْنِي : مرا یاری کن (أَعَانَ ، يَعِينُ / أَعْنُ + نون وقایه + ي)
-----------------------	---	---

حَوْلَ النَّصِّ برگرد

✓	كَهْرَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ فِي مَا أَرَادَهُ الشَّاعِرُ.
x	۱- النَّجَاحُ فِي امْتِحَانَاتِ آخِرِ السَّنَةِ. (موفقیت در امتحانات پایان سال)
✓	۲- أَلْسَعَادَةُ وَ كَثْرَةُ الْبَرَكَاتِ. (خوشبختی و پر برکتی)
x	۳- شِرَاءُ بَيْتٍ جَدِيدٍ وَ كَبِيرٍ. (خرید خانه نو و بزرگ)
✓	۴- إِنْارَةُ الْقَلْبِ وَ الْعَقْلِ. (روشن کردن دل و خرد)
✓	۵- أَلِإِعَانَةُ فِي الدَّرُوسِ. (یاری کردن در درسها)
✓	۶- اِنْشِرَاحُ الصَّدْرِ. (گشادگی سینه)
x	۷- شِفَاءُ الْمَرْضَى. (بهبودی بیماران)
x	۸- كَثْرَةُ الْأَمْوَالِ. (زیادی ثروت)
x	۹- طَوْلُ الْعُمْرِ. (مدت عمر)

إِعْلَمُوا برگرد

أَسْلُوبُ النَّدَاءِ

■ به دو جمله فارسی زیر دقت کنید.
سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز.
ای ساربان آهسته ران، کارام جانم می‌رود.
سعدی و ساربان در دو جمله بالا «منادا» نامیده می‌شوند. منادا در لغت یعنی «صدا زده شده».

■ اکنون به جملات عربی زیر دقت کنید.

منادا از نوع اسم مضاف	منادا از نوع اسم علم	منادا از نوع اسم نکره
یا سید السادات،	یا الله، ارحمنا.	یا طالب، تعال.
یا مجیب الدعوات.	یا زهراء، اجتهدي.	یا تلميذة، تعالي.

منادا
از نوع اسم

■ حرف ندا در جملات بالا کدام است؟ مهم ترین حرف ندا در زبان عربی «یا» است.
■ کلمات قرمز رنگ در جملات بالا «منادا» نامیده می‌شوند.

■ گاهی حرف ندا حذف می شود و این را از مفهوم و قرائن عبارت یا متن می توان فهمید ؛
مانند «ربنا» در این آیه که در اصل «یا ربنا» بوده است:
﴿... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً...﴾ البقرة: ۲۰۱

■ به دو جمله زیر توجه کنید.

گروه منادابی } **یا أَيُّهَا الْوَالِدُ** الْمُؤَدَّبُونَ، حَافِظُوا عَلَى نِظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.
یا أَيُّهَا الْبَنَاتُ الْمُؤَدَّبَاتُ، حَافِظْنَ عَلَى نِظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.

چرا در جمله نخست بعد از حرف ندای «یا» کلمه «أَيُّهَا» و در جمله دوم «أَيُّهَا» به کار رفته است؟
أَيُّهَا برای مذکر و أَيُّهَا برای مؤنث است.

■ در «أَيُّهَا الْوَالِدُ» و «أَيُّهَا الْبَنَاتُ»، «یا» حرف ندا و «أَيُّهَا الْوَالِدُ» و «أَيُّهَا الْبَنَاتُ» گروه منادابی هستند.
در این حالت «أَيُّهَا» و «أَيُّهَا» ترجمه نمی شوند.

■ حرف ندای «یا» بر سر اسم بدون ال می آید؛ مثال: یا وَلَدٌ، یا بِنْتُ

اما اگر منادی «ال» داشته باشد، با «أَيُّهَا» و «أَيُّهَا» به کار می رود؛ مثال:

أَيُّهَا الْوَلَدُ، أَيُّهَا الْبِنْتُ (یا أَيُّهَا الْوَلَدُ، یا أَيُّهَا الْبِنْتُ)

یا الْوَلَدُ	یا الْبِنْتُ
یا أَيُّهَا الْوَلَدُ	یا أَيُّهَا الْبِنْتُ

■ لفظ جلاله «الله» به دو صورت منادا واقع می شود؛ (یا اللَّهُ) و (یا اَللَّهُمَّ) و هیچ فرقی با هم ندارند.

■ گاهی در منادا ضمیر «ی» حذف می شود ؛ مانند: ^۴ یا رَبِّ (رَبِّ) = یا رَبِّي یا قَوْمٍ = یا قَوْمِي

^{۴۳} در صورت حذف حرف ندا، برای تشخیص منادا از مبتدا باید یک سری نکات را بدانید. ← رجوع کنید به قسمت بعد از اختر نفسک

^{۴۴} گاهی در منادا ضمیر «ی» حذف می شود؛ در این زمینه شاهد مثال قرآنی و دعایی بسیار است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...﴾ البقرة: ۱۲۶

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ...﴾ البقرة: ۲۶۰

﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا...﴾ آل عمران: ۳۵

﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ...﴾ آل عمران: ۳۶

﴿...قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَةً طَيِّبَةً...﴾ آل عمران: ۳۸

﴿قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرَ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ...﴾ آل عمران: ۴۰

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً...﴾ آل عمران: ۴۱

﴿قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَوَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ...﴾ آل عمران: ۴۷

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي﴾ المائدة: ۲۵

﴿قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ﴾ الأعراف: ۱۴۳

﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَوَلَدِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ﴾ الأعراف: ۱۵۱

﴿قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَإِيَّاي﴾ الأعراف: ۱۵۵

﴿وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي...﴾ هود: ۴۵

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ...﴾ هود: ۴۷

﴿قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ...﴾ يوسف: ۳۳

﴿رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَعَلَّمْتَنِي مَا تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ...﴾ يوسف: ۱۰۱

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...﴾ إبراهيم: ۳۵

﴿رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنْ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي...﴾ إبراهيم: ۳۶

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبِلْ دُعَاءً﴾ إبراهيم: ۴۰

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ﴾ الحجر: ۳۶

﴿قَالَ رَبِّ مَا أَغْوَيْتَنِي لِأَظُنُّنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ الحجر: ۳۹

﴿...وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمْ كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا...﴾ الإسراء: ۲۴

﴿وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ﴾ الإسراء: ۸۰

که اِخْتَبَرْنَا نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمُنَادِيَّ.

موصول (آنچه) در نقش مفعول موصول (آنچه) در نقش مفعول

۱- ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۚ وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ الْكَافِرُونَ: ۱ إلى ۳

بگو ای کافران * آنچه می‌پرستید نمی‌پرستم * و آنچه می‌پرستم شما نمی‌پرستید. ترجمه فولادوند (گروه منادایی: أَيُّهَا الْكَافِرُونَ)

۲- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ ابراهیم: ۴۰

پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز. پروردگارا، و دعای مرا بپذیر. ترجمه فولادوند (منادا: رَبِّ)

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْأَكْرَبُ﴾ الْإِنْفِطَار: ۶

ای انسان چه چیز تو را درباره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته ترجمه فولادوند (فرب داد). (گروه منادایی: أَيُّهَا الْإِنْسَانُ)

۴- ﴿رَبِّ إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ...﴾ آل عمران: ۱۹۳

پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری، به ایمان فرا می‌خواند. ترجمه فولادوند (منادا: رَبِّ)

۵- ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...﴾ ص: ۳۶

ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم؛ ترجمه فولادوند (منادا: دَاوُدُ)

۶- ﴿اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ... يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ... يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ... يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ...، يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ...، يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ.﴾ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای خدا، ای بخشاینده... ای بهترین آمرزندگان... ای عیب پوش هر معیوب... ای بسیار آمرزنده گناهان... ای که کار زشت را پنهان کنی... ای بهترین آفرینندگان (منادا: اللَّهُ، رَحْمَانُ، خَيْرَ، سَاتِرَ، عَفَّارَ، مَنْ، أَحْسَنَ)

۱- الدُّرِّيَّةُ: فرزندان، دودمان ۲- دُعَاءُ: دعایم (دُعَاءُ + ي) ۳- عَفَّارٌ: فریب داد

آتمارین بگرد

● التَّمْرِينَ الْأَوَّلُ: اُكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ مَعْجَمِ الدَّرْسِ.

موصوف، مضاف مضاف اليه مصفت

۱- الَّذِي يَتَقَبَّلُ الدُّعَاءَ وَهُوَ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى. **الْمَجِيبُ**.....

کسی که دعا را می‌پذیرد، و آن از نام‌های نیکوی (نیکوتر) خداست. (برآورنده)

۲- الشُّعُورُ بِالْفَرَحِ وَالسُّرُورِ كَثِيرًا. **الْأَنْشَاحُ**.....

احساس شادی و خوشحالی بسیار. (شادمانی)

۳- ضَحْكُ خَفِيفٍ بِلا صَوْتٍ. **الْبَسْمَةِ**.....

خنده آرام بدون صدا. (لبخند)

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا...﴾ مريم: ۴

﴿قَالَ رَبِّ أَلَيْسَ لِي عَلَامٌ وَكَانَتْ أَمْرًا عَاقِرًا...﴾ مريم: ۸

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً...﴾ مريم: ۱۰

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ طه: ۲۵

..... أَنْزَلَ.....

۴- جَعَلَ فِيهِ نُورًا.
در آن روشنایی قرار داد. (روشن کرد)

..... أَعَانَ.....

۵- سَاعَدَ، وَ نَصَرَ.
کمک و یاری کرد. (یاری کردن)

● التَّمْرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، وَ عَيْنَ تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْحَمْرَاءِ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ. **برگرد**

الْكِتَابُ الْوَاحِدُ وَ الثَّلَاثُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

مِنْ وَصِيَّةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا بُنَيَّ، اجْعَلْ نَفْسَكَ **مِيزَانًا**^۱ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَأَحِبِّ^۲ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ؛ وَ اَكْرَهُ^۳ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا؛ وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ؛

نامه سی و یکم نهج البلاغه،

از سفارش امام علی علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام

پسرِ دلبندم، خودت را میان خویشتن و دیگری [همچو] ترازویی قرار بده؛ پس آنچه را برای خودت دوست می‌داری برای غیر خودت [نیز] دوست بدار؛ و برایش ناپسند بدار آنچه را برای خودت ناپسند می‌داری؛ و ستم مکن، چنانکه دوست نداری به تو ستم شود؛

وَ أَحْسَنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ؛ وَ اسْتَفِيحِ^۴ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفِيحُهُ^۳ مِنْ غَيْرِكَ؛ ... وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

و نیکی کن، چنان‌که دوست می‌داری به تو نیکی شود؛ و آنچه را برای غیر خودت زشت می‌داری برای خودت [هم] زشت بدار؛ ... و چیزی را که دوست نداری برای تو گفته شود [در حق دیگران] مگو.

۱- مَا هُوَ الْمَحَلُّ الْإِعْرَابِيُّ لـ «نَفْسٍ» فِي «نَفْسِكَ» وَ «نَفْسِكَ»؟

۲. مجرور بحرف الجر

۱. مفعول

۲- مَا هُوَ نَوْعُ فِعْلِ «تَكْرَهُ» وَ صِيغَتُهُ؟

نوع فعل: مضارع؛ صیغته: مفرد مذکر مخاطب

۳- أ كَلِمَةٌ «مِيزَانًا» مَعْرِفَةٌ أَمْ نَكْرَةٌ؟

نكرة

۴- أ لَازِمٌ فِعْلٌ «لَا تَقُلْ» أَمْ مُتَعَدٌّ؟

متعد

۵- مِنْ أَيِّ بَابٍ فِعْلٌ «أَحْسَنُ»؟

باب إفعال

۶- أَذْكَرُ فَعْلَيْنِ لِلْأَمْرِ:

فعل امر: اجْعَلْ؛ أَحِبِّ؛ اَكْرَهُ؛ أَحْسِنْ؛ اسْتَفِيحِ

۴- يُقَالُ: كَفْتَهُ مِ شُود

۳- اسْتَفِيحَ: وَجَدَ قَبِيحًا

۲- أَحْبَبَ: فِعْلُ الْأَمْرِ مِنْ تُحِبُّ

● التمرین الثالث: للترجمة. برگرد

- ۱- هو قد رجع: او برگشته است
 ۲- هو قد يرجع: او گاهی بر می‌گردد یا شاید برگردد
 ۳- هو لا يرجع: او بر نمی‌گردد
 ۴- هو كان قد رجع: او برگشته بود
 ۵- هو يريد أن يرجع: او می‌خواهد که برگردد
 ۶- رجاء: ارجع: لطفاً؛ برگرد
 ۷- من فضلك؛ لا ترجع: لطفاً؛ برنگرد
 ۸- هو سيرجع: او برخواهد گشت
 ۹- هو سوف يرجع: او برخواهد گشت
 ۱۰- هو لن يرجع: او بر نخواهد گشت
 ۱۱- هو لم يرجع: او برنگشت
 ۱۲- هو ما يرجع: او برنگشت
 ۱۳- إن ترجع أرجع: اگر برگردی، برمی‌گردم
 ۱۴- هو كان يرجع: او بر می‌گشت

● التمرین الرابع: عين الصحيح في «التحليل الصرفي» و «الإعراب» لما أُشير إليه بخط. برگرد
 {الرجل العلامة تحدث مع جميع الطلاب في المدرسة.}
 {تذهب المعلمة إلى المكتبة.}

أ. اسم، مفرد، مذكر، معرف بآل	مبتدأ و مرفوع <input checked="" type="checkbox"/>
ب. مصدر، مذكر، معرفة، مبني	فاعل و مرفوع

أ. اسم فاعل، مؤنث، معرف بالعلمية، معرب	مضاف إليه و مجرور
ب. اسم مبالغة، مفرد، معرف بآل، معرب	صفة و مرفوعة بالتبعية لموصوفها <input checked="" type="checkbox"/>

أ. فعل مضارع، مفرد مؤنث غائب، ثلاثي مزيد من باب تفعيل، متعدي، معرب	مفعول و منصوب
ب. فعل ماضٍ، مفرد مذكر غائب، ثلاثي مزيد من باب تفاعل، معلوم، لازم	خبر <input checked="" type="checkbox"/>

أ. اسم مفعول، معرف بآل، جمع مذكر سالم، مبني	مجرور بحرف جر
ب. اسم فاعل، جمع تكسير و مفردة «الطالب»، معرب	مضاف إليه و مجرور <input checked="" type="checkbox"/>

أ. اسم مكان، مفرد، مؤنث، معرفة، معرب	مجرور بحرف جر (في المدرسة: جار و مجرور) <input checked="" type="checkbox"/>
ب. اسم تفضيل، مفرد، معرف بآل، مبني	صفة و مرفوعة بالتبعية لموصوفها

أ. فعل مضارع، مفرد مؤنث غائب، ثلاثي مجرد، معلوم، معرب، لازم <input checked="" type="checkbox"/>	ب. فعل مجهول، مفرد مذكر مخاطب، ثلاثي مزيد من باب تفاعل، مبني
ب. فعل مجهول، مفرد مذكر مخاطب، ثلاثي مزيد من باب تفاعل، مبني	

أ. اسم مفعول، معرف بالعلمية، مبني	مفعول و منصوب و الجملة اسمية.
ب. اسم فاعل، مفرد، مؤنث، معرف بآل، معرب	فاعل و مرفوع و الجملة فعلية <input checked="" type="checkbox"/> .

أ. اسم مكان، مفرد، مؤنث، معرف بآل	مجرور بحرف جر (إلى المكتبة: جار و مجرور) <input checked="" type="checkbox"/>
ب. اسم تفضيل، مفرد، معرفة، معرب	مضاف إليه و مجرور

٤ العلامة: تاي فعالة نشانة الرجل العلامة

٤ ذكر اعراب خبر، وقتی به صورت فعل است، از اهداف كتاب نيست.

● التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: ضَعُ خَطًّا تَحْتَ الْمَفْرَدِ مَعَ جَمْعِهِ. **برگرد**

- ۱- أَعْجُوبَةٌ (أَعْجَابٌ: شگفتی‌ها)، عَجَائِبُ (عجیبه: معجزه) ۱۳- لِبَاسٌ، أَلْبِسَةٌ (لباس‌ها، جامه‌ها)
- ۲- عَاصِمَةٌ، عَوَاصِمٌ (پایتخت) ۱۴- عَظْمٌ، عِظَامٌ (استخوان‌ها)
- ۳- شَجَرَةٌ، شَجَرَاتٌ (درخت) ۱۵- طَرِيقٌ، طُرُقٌ (راه‌ها)
- ۴- ظَاهِرَةٌ (ظَاهِرَاتٌ، ظَوَاهِرٌ: پدیده‌ها)، مَظَاهِرٌ (مَظْهَرٌ: چشم‌انداز) ۱۶- قَنَاةٌ، قَنَوَاتٌ (کانال‌ها)
- ۵- فَرِيْسَةٌ، فَرَايِسٌ (طعمه، شکار) ۱۷- دُعَاءٌ، أَدْعِيَةٌ (دعاها)
- ۶- صَفْحَةٌ (صَفْحَاتٌ: صفحه‌ها)، صَحْفٌ (صَحِيفَةٌ: روزنامه) ۱۸- قَدَمٌ، أَقْدَامٌ (پاها)
- ۷- بَرْنَامِجٌ، بَرَامِجٌ (برنامه) ۱۹- شَهْرٌ، شُهُورٌ (ماه‌ها)
- ۸- حَفْلَةٌ (حَفَلَاتٌ: جشن‌ها)، مَحَافِلٌ (مَحْفَلٌ: مجلس، گردهم‌آیی) ۲۰- أَكْبَرٌ (أَكْبَرٌ: بزرگان)، كِبَارٌ (کبیر: بزرگ)
- ۹- خَبِيرٌ، خُبْرَاءٌ (کارشناس) ۲۱- قَمٌ، أَقْوَاهٌ (دهان‌ها)
- ۱۰- عَجُوزٌ، عَجَائِزٌ (زن سالمند، پیرزن یا پیرمرد) ۲۲- طَعَامٌ (أَطْعَمَةٌ: غذاها)، مَطَاعِمٌ (مَطْعَمٌ: رستوران)
- ۱۱- تَمَثَالٌ (تَمَاتِيْلٌ، تَنْدِيْسٌ: بیکره‌ها)، أَمْثَالٌ (مَثَلٌ: ضرب‌المثل) ۲۳- عِلْمٌ (عِلْمٌ: دانش‌ها)، أَعْمَالٌ (عَمَلٌ: کار)
- ۱۲- مِيزَانٌ (مَوَازِينٌ: ترازو، عدل)، أَوْزَانٌ (وزن) ۲۴- حَيٌّ (أَحْيَاءٌ: زندگان)، حَيَاتٌ (حَيَّةٌ: مار)

● التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. **برگرد**

- ۱- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ...﴾ البقرة: ۲۱
ای مردم، پروردگارتان را که شما را آفریده است، پرستش کنید... فولادوند
أَيُّهَا النَّاسُ: گروه منادایی / رَبِّ: مفعولٌ به
مای استفهام **ر** **أَنْ** + لای نفی
- ۲- ﴿... يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ الحجر: ۳۲
«ای ابلیس، تو را چه شده است که با سجده‌کنندگان نیستی؟» فولادوند
إِبْلِيسُ: منادا

- ۳- ﴿يَا عِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ...﴾ العنكبوت: ۵۱
ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، زمین من فراخ است؛ ..
عباد: منادای مضاف / واسِعَةٌ: خبرٌ إنَّ

- ۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقُرْآنُ.
پیامبر ﷺ فرمود: ای علی! بزرگ و سرور (برترین) سخن، قرآن است.
رَسُولٌ: فاعل / عَلِيُّ: منادای مفرد علم / سَيِّدٌ: مبتدا / الْكَلَامُ: مضاف الیه / الْقُرْآنُ: خبر

- ۵- يَا مَنِ بَدَنِيَاهُ اشْتَغَلَ قَدْ غَرَّهُ طَوْلُ الْأَمَلِ^{۴۸}

^{۴۷} فعل غایب در ساختار ندایی به شکل مخاطب ترجمه می‌شود. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید

^{۴۸} الْأَمَلُ: آرزو «جمع: الْأَمَالُ»

الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً وَ الْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ (مَنْسُوبٌ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ای کسی که مشغول دنیایی و آرزوهای دراز تو را فریفته،

[بدان] مرگ ناگهان فرا می رسد و قبر صندوق (نگهدارنده) عمل است.

من: منادای مفرد/ طول: فاعل / الْمَوْتُ: مبتدا / صُنْدُوقُ: خبر

۶- اَللّٰمُ عَلَيَّكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ؛ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ.

درود بر تو ای رسول خدا؛ ای پیامبر رحمت.

اَللّٰمُ: مبتدا / رَسُوْلُ: منادای مضاف / نَبِيَّ: منادای مضاف / الرَّحْمَةِ: مضافٌ الیه

● اَلتَّمْرِيْنَ السَّابِعُ: لِلتَّرْجَمَةِ. بَرَكْد

۱- يَسْمَحُ: اجازه می دهد	لِيَسْمَحَ: باید اجازه دهد	لَنْ يَسْمَحَ: اجازه نخواهد داد
۲- تَكْتُمُ: پنهان می کنی	اَكْتُمُ: پنهان کن	لَا تَكْتُمُ: پنهان نکن
۳- يُقَلِّدُ: تقلید می کند	اَلْمَقْلُدُ: تقلید کننده	اَلْمَقْلُدُ: تقلید شده
۴- رَفَعَ: برداشت	مَا رَفَعَ: برداشت	قَدْ رَفَعَ: برداشته است
۵- سَاعَدَ: کمک کرد	يُسَاعِدُ: کمک می کند	سَاعَدَ: کمک کن
۶- يَصْنَعُ: می سازد	لَا يَصْنَعُ: نمی سازد	لَمْ يَصْنَعُ: نساخت
۷- دَرَسَ: درس داد	يُدْرَسُ: درس می دهد	اَلتَّدْرِيسُ: درس دادن
۸- كَتَبَ: نوشت	اَلْكَاتِبُ: نویسنده	اَلْمَكْتُوبُ: نوشته شده
۹- عِلْمٌ: دانست	اَلْأَعْلَمُ: داناتر	اَلْعَلَامَةُ: بسیار دانا
۱۰- صَبَرَ: صبر کرد	اَلصَّابِرُ: صبر کننده	اَلصَّبَارُ: بسیار صبر کننده
۱۱- عَبَدَ: عبادت کرد	اَلْمَعْبُدُ: معبدها	اَلْمَعْبُودُ: عبادت شده
۱۲- اَلْأَصْغَرُ: کوچک تر	اَلصَّغْرَى: کوچک تر	اَلْأَصَاغِرُ: کوچک ترها

أَيُّهَا الْأَحْبَاءُ،
نَسْتُوْدِعُكُمْ اللّٰهَ،
و نَرْجُو لَكُمْ حَيَاةً مَلِيْنَةً بِالنَّجَاحِ
مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللّٰهِ.

ملتتمس دعای خیر شما: خوشخو

آرزوهای طولانی او را فریب داده و گویی از یاد برده که مرگی هم وجود دارد. در کمین انسان است، آرزوهای طولانی باعث شود که فراموشی به او دست بدهد، این فریب است. «الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً»، مرگ یک مرتبه می آید؛ یک مرتبه می بینی عالم عوض شد. «و الْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ»، وارد عالم قبر می شود، وارد عالم برزخ می شود که آنجا صندوق اعمال انسان است، آنجا انسان با اعمال سر می کند و زندگی می کند.

درس منادا مربوط است به مخاطب؛ نه غایب.

اگر بعد از اسمی که ابتدای جمله آمده، جمله به گونه‌ای باشد که گویی ما با آن اسم در حال گفتگو هستیم، پس آن اسم مناداست یا بعد از اسم، فعل امر و نهی مخاطب، ضمیر مخاطبی که به آن اسم برگردد، «فعل متکلم، مجهول، وجود إِنَّ یا کلمه پرسش، لیت، لای نفی جنس بعد از اسم» نشان می‌دهد که آن اسم مناداست.

و اگر جمله به گونه‌ای باشد که گویی ما در حال گفت خبری درباره آن اسم هستیم یا بعد از اسم فعل غایبی ببینیم که به آن اسم برمی‌گردد، پس آن اسم مبتداست.

اگر بعد از اسم ابتدای جمله، یکی از موارد زیر آمده باشد، آن اسم منادا خواهد بود:

منادا	دلیل	مبتدا	دلیل
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا.	مخاطب بودن فعل امر	رَبَّنَا يَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا.	غایب بودن فعل
لَا تَرِدْ رَبِّي عِنْدَكَ الضَّعِيفَ مِمَّا أُنَادِيكَ. عَبْدَ اللَّهِ لَا تَتَكَاثَلُ	مخاطب بودن فعل نهی	طَالِبَةٌ لَمْ تَتَكَاسَلْ فَقَدْ نَجَحْتَ فِي الامتحان.	غایب بودن فعل
فَاطِمَةُ عَلَيْكَ أَنْ تَخَافِي مِنَ الْمَشَاكِلِ.	وجود ضمیر مخاطب «کن»	كثِيرٌ مِنَ النَّاسِ يَضِيعُونَ أَوْقَاتَهُمْ.	وجود ضمیر غایب
إِلَهِي أُرْسِلْتُ بِالْعِلْمِ.	فعل متکلم - مجهول	حافظ القرآن رجلٌ عادلٌ	جمله خبری درباره اسم ابتدای جمله
مريم هل تذهبين إلى المدرسة؟	وجود کلمه پرسش	مسلمات محبوبات عند الناس.	حذف اسم خلل در معنا ایجاد می‌شود.
قُلْتُ لِمَ تَبْكِي وَلَدِي	وجود کلمه پرسش + متکلم و مخاطب بودن فعل	مريم قالت: استذكري ذكري أيام الشباب.	فعل غایب مربوط به اسم ابتدای جمله
رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا لِلْإِيمَانِ. رَبَّنَا إِنِّي أَسْتَغْفِرُ لَذُنُوبِي الْكَثِيرَةِ.	وجود <u>إِنَّ</u> بعد از اسم- فعل و ضمیر متکلم	رَبِّي فِي كُلِّ حَالٍ يَدْرِكُنِي وَ يَعْلَمُ مَا أُرِيدُ.	فعل غایب مربوط به اسم ابتدای جمله
رَبِّ لِيَتَنَّبِي كُنْتَ إِنْسَانًا مَجْهَرًا بَجَنَاحِينَ العلم و الدين.	وجود لیت بعد از اسم	رَبَّنَا عَلَّمَ الْغُيُوبَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِنَا.	
يَا أَيُّهَا الطَّالِبُ ابْتَعدْ عَنِ الْبَاطِلِ.	نشانه های ندا یا ، أَيُّهَا	الطَّالِبُ ابْتَعدْ عَنِ الْبَاطِلِ.	اسم دارای ال
مَسْلَمِي (مَسْلَمِينَ) الْعَالَمِ اتَّحَدُوا. وَلَدِي (وَلَدِينَ + ي) إِسْأَلَانِي عَمَّا لَا تَعْلَمَانِ.	نشانه: اعراب نصب ضمنا نون مثنى و جمع ، در حالت مضاف حذف میشود.	مَسْلَمُو الْعَالَمِ اتَّحَدُوا.	نشانه: اعراب رفع
قَوْمِ، لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ! رَبِّ، لَا تَرْضَ أَنْ يَسْرِبَ الْيَأْسَ إِلَيَّ نَفْسِي!	گاهی منادای مضاف به ضمیر یای متکلم، ضمیر حذف شده و آخر آن کسره دیده می‌شود.	قَوْمِي لَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ!	غایب بودن فعل